

نقش کتاب و کتابخانه در شکوفایی تمدن اسلامی

سید محمود مرعشی نجفی

بگوئیم که کتاب در تمدن اسلامی و در جوامع مسلمان به مدینه فاضله خویش نزدیک گردید. در اسلام کتاب و کتابت از همان آغاز مورد عنایت بسیار قرار گرفته؛ چنان که تنها در قرآن، این کتاب آسمانی، ۳۲۲ بار ماده کتاب در ۳۷ صحیفه مختلف از آن جمله ۲۶۳ بار لفظ کتاب و کتب و مکتوب به کار رفته است.^۱

از نظر مسلمانان، کتاب‌های آسمانی نه تنها راهنمای سعادت اخروی بشرند، بلکه راه‌های زندگی دنیوی و پیشرفت‌های مادی را نیز به انسان‌ها خاطر نشان ساخته‌اند. در این میان، قرآن کریم، به عنوان معجزه پیامبر اسلام، از دیگر کتب آسمانی متمایز است و جایگاهی خاص دارد. در این کتاب آسمانی به صراحت آمده است: «آن که در این [دنیا] کور [= جاهل] باشد، در آخرت [نیز] کور و گمراه‌تر است».^۲ در آیات و روایات متعددی، انواع کشفیات و اختراعات اساسی و مؤثر در زندگی انسان‌ها همانند دامداری، کشاورزی، خانه‌سازی، ذوب فلزات، نساجی و غیر آن‌ها، به پیامبران و کتاب‌های آسمانی نسبت داده شده و از جمله نعمت‌های الهی به‌شمار رفته است. بدین ترتیب جایگاه کتاب در تاریخ بسیار روشن است؛ زیرا از نظرگاه اسلام مبدأ هر دوره تاریخی، کتابی آسمانی است که به پیامبری اولوا العزم نازل شده است.

سخن از ارزش کتاب به میان آوردن، به مثابه آن است که برای روشنی آفتاب استدلال بیاوریم؛ چه آن که کتاب، خود دلیل و گواه روشنی بر خویش است و ما از کدامین واژه می‌توانیم در وصف کتاب استفاده کنیم که جوانب گوناگون آن را روشن‌تر سازد؟ رنگ سیاه (مرکب سیاه) در کتاب چنان جهان را روشنی بخشید که می‌توان گفت: آفتاب آمد دلیل آفتاب و بلکه فراتر از آن: کتاب «اظهر من الشمس» است و به عبارت دیگر بزرگ‌ترین اختراع بشر در گذشته و حال و آینده کتاب بوده و خواهد بود.

بازگویی شأن و ارزش کتاب و اهمیت آن در شکوفایی علم، فرهنگ و تمدن اسلامی و جهانی نیز مقوله‌ای بس روشن است. از آن رو که به گفته جرج سارتن: دین اسلام آخرین شاخسار مهم ادیان یکتاپرستی و دین علم و کتاب است که نهال دیرپای آن در اوایل سده هفتم میلادی کاشته شد و شروع خارق‌العاده آن، چنان موضوع بدهی و روشنی است که احتیاج به استدلال و برهان ندارد. رشد انفجاری اسلام (و علوم اسلامی) گویاتر از تثبیت تاریخ آن نیست که پس از گذشت تنها ۱۷ سال از وقوع آن، چنان ریشه محکمی برزمینه تاریخ انسانی به‌بار آورد که در فاصله اندکی پس از آن درخت، کارنامه کتاب در جهان اسلامی بسیار پربرگ و پربر است و گزافه نیست اگر

۱. مقایسه شود با سونددال، تاریخ کتاب، ترجمه فارسی، ص ۱۷-۱۹.

۲. اسراء، آیه ۷۲.

پیامبر گرامی و سایر پیشوایان اسلامی در سخنان بسیار، بر اهمیت کتابت و کتاب تأکید کرده‌اند. در سخنان ائمه اطهار کتاب پناهگاهی برای انسان‌ها به شمار آمده است. در روایتی امام صادق (ع) فرموده است: «بنویس و دانش خود را در میان برادران دینی [به مدد کتابت] منتشر ساز و چون زمان مرگت فرا رسید، نوشته‌های خویش را به پسرانت به ارث بگذار؛ چه آن‌که برای مردمان هر عصر فتنه و آشوبی فرا خواهد رسید که در آن، جز کتاب مونس نخواهند داشت».^۱

عالمان و فرزندانگان اسلامی نیز درباره ارزش کتاب و نقش اساسی آن در انتقال علم و فرهنگ بسیار سخنان گفته‌اند که از آن میان، سخنان جاحظ در این باره چشمگیر است. او در مقدمه کتاب خود در وصف کتاب جملات بسیار زیبایی دارد؛ از آن جمله می‌گویند: «کتاب بهترین پس‌انداز و خزانه و بهترین هم‌نشین و پشتوانه است، معلمی آرام‌تر و دوستی سودمندتر و کم‌زیان‌تر از کتاب نیست. کجا دیده‌ای بوستانی در آستین و باغی در بغل جز کتاب؟ کتاب همان است که اگر در آن بنگری، بهره‌ات بخشد و زیانت را بگشاید و انگشتانت را در نوشتن مهارت و توانایی ارزانی دارد و واژگانت را سخنوری شکوهمند سازد.» او سپس می‌گوید: «با مطالعه یک کتاب در طی یک ماه می‌توان چندین دانش آموخت که در یک عمر از رجال حاصل نمی‌گردد».^۲

نهضت تألیف و ترجمه در اسلام

ارج نهادن قرآن به علم و کتابت و سفارش‌های پیامبر گرامی اسلام (ص)، مسلمانان صدر اسلام را بر آن داشت که به گونه‌ای شگفت‌آور به فراگیری دانش، کتابت و تدوین علوم بپردازند. مسلمانان تا پایان قرن اول و قسمتی از قرن دوم هجری به سبب کشورگشایی و فتوحات پیاپی چندان مجال برای پرداختن به امور غیر نظامی نیافتند و در امر تعلیم و تعلم و نوشتن و تدوین برخی از علوم شرعی گام‌های اندکی برداشتند، ولی با فروکش شدن غوغای فتوحات و ارتباط با سایر ملل مغلوب که بسیاری از آن‌ها دارای فرهنگ و تمدن کهنسالی بودند، نهضتی علمی در آن‌ها پدید آمد و به این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و علوم‌ها که از دیرباز در میان آن‌ها رشد و شکوفایی بسیاری یافته بود رغبت نشان دادند. از سوی دیگر، نیاز عمومی مسلمانان به علمی چون طب، ریاضیات، تاریخ، فقه و دیگر علوم، دانشمندان اسلامی را بر آن داشت تا در کنار علوم شرعی به علوم عقلی نیز توجه بیشتری کنند؛ چنان‌که از اواخر قرن دوم هجری به بعد مراکز علمی مهمی در گستره سرزمین‌های تحت نفوذ اسلام، به‌ویژه در الجزایر، عراق، ایران، مصر و مغرب، به وجود آمد

و دانشجویان به سوی این مراکز علمی روانه شدند؛ به گونه‌ای که می‌توان آن دوره را دوران تجدید حیات علم نام نهاد. مهم‌ترین مرکز فکری در این دوره، بغداد بوده است. رستاخیزی که در بغداد در این زمینه به وجود آمد، چنان بلندآوازه شد که همه سرزمین‌های اسلامی و غیر اسلامی را زیر پوشش قرار داد. به گفته سارتن، هارون و مأمون (از خلفای عباسی) در بغداد نوعی فرهنگستان علوم با نام بیت‌الحکمه پدید آوردند که شامل کتابخانه و رصدخانه نیز بود. از زمان تأسیس موزه و کتابخانه اسکندریه در نیمه سده سوم پیش از میلاد به بعد، تأسیس بیت‌الحکمه بغداد مهم‌ترین اقدام در این زمینه بود.^۳

این گونه مراکز علمی بعدها در ایران، مصر، اندلس و دیگر سرزمین‌های اسلامی نیز پدید آمد. هم‌چنین دانشمندان و فرزاندانی که عمرشان را وقف دانش کرده بودند، در سایه حمایت خلفا، وزرا و حکام قرار داشتند و از آنان حمایت کامل می‌شد. مرکز علمی بغداد جانشین مراکز علمی خاورمیانه گردید. مأمون بسیاری از دانشمندان بزرگ جهان اسلام، اعم از مسلمان و غیر مسلمانان و عرب و غیر عرب، را در این مراکز علمی گرد آورده بود و ایشان در کنار مطالعه درباره علوم شرعی و اسلامی محض، به ترجمه علوم عقلی و نظری پرداختند که به «علوم اوایل» شهرت داشت و سال‌ها پس از زبان‌های سریانی، یونانی، نبطی، قبطی، عبری، هندی و پهلوی نوشته شده بود. به این ترتیب دورانی در تاریخ علوم و تمدن جهانی پدید آمد که از جمله روشن‌ترین ادوار تاریخ دانش و فرهنگ و تمدن در عالم شمرده می‌شود.^۴

علمی که از طریق نهضت ترجمه به عالم اسلام انتقال یافت

کار ترجمه و نقل علوم از زبان‌های مختلف به عربی، در قرن دوم و سوم با قوت تمام در بیت‌الحکمه و دیگر مراکز علمی دنبال شد و در قرن چهارم و نیمه قرن پنجم نیز ادامه یافت. هارون و مأمون مترجمان بسیاری را در رشته‌های گوناگون علوم در بیت‌الحکمه مأمور ترجمه کتب کرده بودند و آنان با کوشش‌های پی‌گیر خویش توانستند دانش‌هایی مانند اسطرلاب، تاریخ طبیعی، جبر و مقابله، جراثیق، جغرافیا، جفر، حجازی، حساب، حکمت، مکانیک (علوم‌الحیل)، داروسازی، شیمی (کیمیا)، طب، فلاحت (کشاورزی) و دیگر علوم و صنایع و فنون را که در کتاب‌ها و رساله‌های مختلف

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۰.

۲. العیون ج ۱، ص ۵۰ به بعد؛ علیرضا ذکاوتی، زندگینامه جاحظ، ص ۲۱-۲۲.

۳. مقدمه بر تاریخ علم، ج ۱، ص ۶۵۰.

۴. صفاء، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۹۰-۹۲.

نوشته شده بودند، ترجمه کنند و انتقال دهند. بدین ترتیب کلیه آثار و اندیشه‌های علمی علمای طراز اول دنیای قدیم، از هندوستان گرفته تا یونان و از اسکندریه تا ایران، در دسترس علمای اسلامی قرار گرفت و با ترجمه آن‌ها مسلمانان با «علوم اوائل» آشنا شدند و از راه مطالعه و تحقیق، به علوم مختلفی دست یافتند و آن‌ها را با یکدیگر درآمیختند و تجارب و اطلاعات خویش را نیز بر آن‌ها افزودند و بار دیگر آن‌ها را در کتاب‌ها و رساله‌های گوناگون و مجموعه‌های علمی تدوین کردند.

حاصل این فرآیند علمی و انتقال علوم به زبان عربی، شکوفایی تمدن اسلامی و بارور شدن آن در قرن چهاردهم و نیمه اول قرن پنجم هجری است. در این دوره، بزرگ‌ترین علمای اسلامی در هریک از شعب علوم عقلی و نقلی ظاهر شدند و در حقیقت محصول زحمات مسلمانان در قرن‌های دوم و سوم و قسمتی از قرن چهارم به بعد پدیدار شدند و آن، شکوفایی هرچه بیشتر تمدن از یک سو و رشد فزاینده و چشمگیر رساله‌های علمی در زمینه‌های گوناگون بود که می‌توان آن را یکی از خوشبختی‌های دانشمندان و جامعه اسلامی در این دوره به‌شمار آورد؛ زیرا انبوه کتاب‌ها و نوشته‌ها به جایی رسید که در بازارهای وراقان این‌گونه کتاب‌ها در معرض فروش قرار می‌گرفت. بعضی از این بازارهای وراقان، مثل بازار بغداد، علاوه بر آن که محل تمرکز کتاب‌های بسیار از انواع مختلف علوم بود، محلی هم بود برای اجتماع علما و حکما به منظور بحث و مناظره علمی.^۱

ابن ندیم اسامی بسیاری از دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان را که در بغداد و در بیت‌الحکمه مشغول به کار ترجمه کتب یونانی، سریانی، عبری، هندی، سانسکریت، پهلوی، نبطی و دیگر زبان‌های رایج به عربی و انتقال علوم اوائل به جهان اسلام بودند، با اسامی کتاب‌ها و رشته‌های مختلف علوم، به تفصیل در مقاله هفتم کتاب خویش ذکر کرده است که در این جا به اسامی برخی از مشاهیر آنان اشاره می‌شود.

جورجیس بن یختیشوع گندی‌شاپوری که به کار ترجمه کتب یونانی و تألیف کتاب‌هایی در طب به زبان سریانی می‌پرداخت، در زمان منصور عباسی می‌زیست. پس روی یختیشوع و نوه او جبرائیل، از عهد منصور تا هارون عباسی به کار ترجمه و تألیف اشتغال داشتند. ابوزکریا یوحنا ابن ماسویه (متوفی ۲۴۳ق) از پزشکان مشهور گندی‌شاپور که در عهد هارون به بعد به تعلیم طب و ترجمه کتب طبی و تألیف پرداخت. ابن طبری که در طب و نجوم و ریاضیات مهارت داشت، المجسطی را از یونانی به عربی ترجمه کرد. ابن مقفع که ناقل کتاب‌های ادبی و علمی پهلوی به عربی بود. او ترجمه‌های پهلوی

میراث شهاب

ایساغوجیس و آنالوطیقای ارسطو را به عربی برگرداند. نویخت اهوازی، منجم مشهور و منصور و پسرش ابوسهل، از مترجمان کتب ریاضی پهلوی به عربی و صاحب تألیف بوده‌اند. ابویحیی بطریق که کتاب اربعة بطلمیوس در نجوم را ترجمه کرد و فرزند وی ابوزکریا که کتاب‌های ارسطو، بقراط و جالینوس را ترجمه کرد. حنین بن اسحاق (۱۴۹-۲۶۴ق) که کتاب‌های بسیاری را از افلاطون، بقراط و جالینوس از زبان‌های یونانی و سریانی به عربی ترجمه کرد و خود نیز در زمینه‌های علوم مختلف، به ویژه طب، تألیفاتی دارد. اسحاق بن حنین (متوفی ۲۹۸ق) که کتب فلسفی، منطقی و ریاضی را ترجمه می‌کرد. ثابت بن قره‌الحرانی (۲۱۱-۲۸۸ق) که کتاب‌های ریاضی، طب، حکمت و دیگر علوم را ترجمه می‌کرد و خود نیز آثاری تألیف کرده است.^۲

نتیجه کار و تلاش گسترده این دانشمندان و دیگر عالمان مسلمان در صدر اسلام، هزاران کتاب بود که علوم مختلف دنیای قدیم را در خود گرد آورده بود. این کتاب‌ها وقتی در اختیار مسلمانان قرار گرفت، آنان خود نیز به تألیف و تصنیف رساله‌ها و کتاب‌های بسیاری پرداختند که دربرگیرنده علوم قدیم و جدید بود. فراوانی این کتاب‌ها در جهان اسلام موجی از تحقیق، مطالعه و پژوهش و آزمایش را به همراه داشت که زمینه‌های رونق و شکوفایی تمدن بزرگ و شکوهمند اسلامی را فراهم ساخت؛ و حاصل آن در طول این دوره و پس از آن، کتابخانه‌ها و آثار گوناگون در زمینه‌های مختلف علوم شرعی و عقلی بود. در بسیاری از مساجد، مدارس، اماکن مقدس و در کنار زیارتگاه‌ها، کتابخانه‌های مهمی تأسیس گردید.

خلفا، امرا، وزرا و علما و حتی افراد عادی به گردآوری کتاب پرداختند و کتابخانه‌های بسیاری را بنا نهادند. در بسیاری از این کتابخانه‌ها در کنار مطالعه، تحقیق و پژوهش، و مباحثات علمی، ترجمه و تألیف نیز وجود داشت.^۳

در برخی از این کتابخانه‌ها نسخه‌ها و لوحه‌های بسیاری جمع‌آوری شده بود. از جمله، در بیت‌الحکمه حدود ۴۰۰۰۰ جلد و در کتابخانه فاطمیان مصر ۱۶۰۰۰۰ جلد و در کتابخانه الحاکم اموی در اندلس ۴۰۰۰۰۰ جلد کتاب فراهم آمده بود.^۴

در این دوره فعالیت علمای مسلمان بی‌نهایت برتر از دیگر ملت‌ها بود؛ به گونه‌ای که مسلمانان معیار و ملاک تمدن به شمار می‌رفتند و فعالیت آنان در تمام زمینه‌های علمی و صنعتی فراتر

۱. همان، ص ۱۱۴-۱۱۸ و ۲۵۹-۲۶۰.

۲. الفهرست، ص ۳۰۵، ۳۰۴.

۳. کورکیس عواد، خزائن الکتب القديمة فی العراق، ص ۵۰ به بعد.

۴. صفا، تاریخ علوم عقلی، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۵.

از دیگران بود و مردان ممتازی در علوم مختلف مانند کندی، بنونرسی، خوارزمی و فرغانی، همگی مسلمان بودند. خوارزمی نخستین کسی است که جدول‌های نجومی و مثلثاتی را محاسبه کرد و حبش حاسب، سه زیج را برای مأمون تحریر کرد و نخستین کسی است که وقت را به کمک ارتفاع یک جسم سماوی تعیین کرد و او بود که مفهوم ظل را ارائه نمود؛ همان‌که مطابق با تانژانت امروزی است. فرغانی نخستین کسی است که دو رساله جامع و کامل در نجوم نوشت و کتاب وی تا سده پانزدهم میلادی بسیار رایج بود و تأثیر فراوانی بر منجمان مسلمان و از طریق ترجمه بر یهودیان و مسیحیان برجای گذاشت. کندی در باب نور هندسی و بصری رساله‌ای نوشت. علی طیبیری رساله‌ای دائرةالمعارف‌گونه به نام فردوس‌الحکمه تألیف کرد که حاوی اطلاعات گسترده‌ای در باب تاریخ طبیعی بود.^۱

کتاب، تاریخی به قدمت بیش از پنج‌هزار سال دارد و ما از ثلث نخستین این دوره طولانی جز رویدادهای اندک و پراکنده چیزی نمی‌دانیم که بتوان بر آن تکیه کرد و تصویر روشنی از وضعیت کتاب در آن زمان‌ها را به دست داد، اما از دوره یونان به بعد و به ویژه پس از انتقال کتاب‌ها و رساله‌های مختلف به زبان عربی، می‌توان تصویر آشکار و برجسته‌ای از کتاب و نقش آن در انتقال تمدن‌ها و شکوفایی آن‌ها به دست داد. گردآوری کتاب‌های مختلف از سراسر جهان در بغداد و اقدام به ترجمه آن‌ها، موجب شکوفایی روزافزون فرهنگ و تمدن اسلامی شد.

هم‌چنین با ترجمه کتاب‌های عربی به زبان‌های لاتین پس از قرن پنجم هجری که در اندلس انجام گرفت، دوره دیگر و فصل جدیدی آغاز گردید و بار دیگر علوم و فرهنگ و فنون تمدن اسلامی به جاهای دیگر انتقال یافت و بر اساس این تمدن شکوفنده و موج،

تمدن جدیدی پایه‌ریزی شد که در اروپا به شاخ و برگ نشست و تنها از این طریق پیچیده بود که دانشمندان قرون وسطی بسیاری از مؤلفان مشهور دوران قدیم از قبیل ارسطو، سقراط، بقراط، جالینوس را شناختند و با افکار و اندیشه‌های علمی و تلاش‌ها و تجربه‌های علمی دانشمندان اسلامی آشنا شدند.^۲

بنابراین:

۱. کتابخانه‌های جهان اسلام دربرگیرنده ذخایر عظیم علمی، میراث بزرگ فرهنگی و تجربیات طولانی ملل مختلف عالم بوده‌اند.

۲. کتابخانه‌ها در جهان اسلام، ضمن حفظ سرمایه‌های فکری و علمی بشری، ضامن بقا و جاودانگی اندیشه‌های بارور اسلامی و علوم آل محمد(ص) و فنون و صنایع گوناگون دانشمندان اسلامی و عامل گسترش تمدن شکوهمند اسلامی در زمینه‌های فراوان آن نیز بوده‌اند.

۳. کتابخانه‌های جهان اسلام، عامل تفاهم و همبستگی و هماهنگی کلیه رشته‌های مختلف علمی و طبقه‌بندی آن‌ها بوده‌اند؛ چنان‌که از این رهگذر، مسلمانان به نتایج مهمی در علوم و فنون گوناگون دست یافتند.

۵. کتابخانه‌ها در جهان اسلام، از ارکان اصلی و اساسی تمدن اسلام و پیشرفت علم و فرهنگ و تعلیم و تربیت نیز به‌شمار می‌رفته‌اند و بدین دلیل مورد احترام مسلمانان بوده و نزد دانشمندان محبوبیت خاصی داشته‌اند. می‌توان ادعا کرد که به دلیل این نقش اساسی و سایر مشخصات ذکر شده بود که برخی از ملت‌ها سعی در انهدام تمدن ملت‌های مغلوب از طریق آتش زدن کتابخانه‌های آن‌ها و نابودی کتاب‌هایشان داشته‌اند.^۳

۱. مارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ج ۱، ص ۶۲۸-۶۵۰.

۲. سوندال، تاریخ کتاب، ص ۷۹-۸۰.

۳. مقایسه کنید با: محمد ماهر حماده، المکتبات فی الاسلام، ص ۲۰۷.

۲۰۸؛ سعید احمد حسن، المكتبة العامة والوعی الثقافی، ص ۳۲-۳۵.